



# گربه‌ی زرد

یک گربه‌ی زردم که گاهی  
در کوچه‌ها بیدار هستم  
از این که در کیسه بگردم  
ناراحت و بیزار هستم

یک بچه امشب تا مرا دید  
زودی برایم شیر آورد  
چسبید شیر گرم و تازه  
در آن هوای ابری و سرد

از آن پسر کردم تشکر  
با یک میو و حرکت دم  
ای کاش مثل آن پسر بود  
رفتارهای کل مردم

عفت زینلی

سحر مربی

